

## حکمت اشراق از زبان دینانی



استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران با بیان اینکه سهروردی بیش از هر کس دیگری فلسفه یونان را می‌شناخته و بسیاری از آثار او به سبک یونانیان بوده، گفت: اما سهروردی به تأمل در آیات شریفه قرآن می‌پردازد و در پرتو نور آن، راه خود را به سوی حقیقت می‌گشاید.

### حکمت اشراق از زبان دینانی/ "خرد جاویدان" منطقه ای و نژادی نیست

استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران با بیان اینکه سهروردی بیش از هر کس دیگری فلسفه یونان را می‌شناخته و بسیاری از آثار او به سبک یونانیان بوده، گفت: اما سهروردی به تأمل در آیات شریفه قرآن می‌پردازد و در پرتو نور آن، راه خود را به سوی حقیقت می‌گشاید.

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد اندیشه سهروردی گفت: سهروردی از نور و ظلمت به عنوان قاعده شرق سخن گفته و آن را میراث حکمای پارس در ایران باستان به شمار آورده است. حکمت اشراقی به حکم اینکه دانش نور است خرد جاویدان شناخته می‌شود و آنچه جاویدان است نمی‌تواند به منطقه خاص جغرافیایی و یک نژاد ویژه بشری اختصاص یابد.

وی افزود: حکمت اشراقی که در نظر سهروردی خمیره ازلی شناخته می‌شود دارای دو شعبه شرقی و غربی است که شعبه شرقی آن کمتر مورد توجه واقع شده و در برخی از ادوار و در نظر بسیاری اشخاص به فراموشی سپرده شده است، اما با وجود این هرگز نباید چنین پنداشت که شعبه شرقی از خمیره ازلی نسبت به شعبه غربی آن کمتر اهمیت دارد.

دینانی با تأکید بر اینکه اندیشه سهروردی ترکیب نیست و اصلاً سهروردی ترکیبی ایجاد نکرده است، بیان کرد: سهروردی به تاریخ بازگشته یعنی خواسته گذشته خویش را پیدا کند، سهروردی خواسته بداند از آغاز ایران چه کشوری بوده، تمدن، فکر و اندیشه چه بوده و در چه زمانی به وجود آمده، اندیشمندان عالم چه کسانی بودند، چه مسائلی در دنیا مطرح شده و بیش از هر چیزی به تمدن ایران توجه کرده البته به تمدن یونان هم توجه کرده است.

وی با بیان اینکه سهروردی بیش از هر کس دیگری فلسفه یونان را می‌شناخته و بسیاری از آثار سهروردی به سبک یونانیان بوده، اظهار داشت: اما می‌دانسته است که در مقابل یونان یک حکمت برتری هم وجود دارد و آن هم حکمت ایران باستان است.

دینانی با بیان اینکه سهروردی میان دو جریان مهم فلسفی در جهان یعنی فلسفه یونان و حکمت ایران باستان پیوندی محکم و جدایی‌ناپذیر می‌بیند، اظهار داشت: آثار سهروردی تنها کتاب حکمة‌الاشراق نیست، مثل ابن سینا در چندین کتاب حکمت یونان را توضیح داده، اما می‌گوید حکمتی دیگری در عالم وجود دارد که مورد غفلت واقع شده و آن هم حکمت ایران باستان است که هم قوی‌تر و حداقل معنوی‌تر از حکمت یونان بوده است.

نویسنده کتاب [#171&#171; شعاع اندیشه و شهود در اندیشه سهروردی](#)؛ در ادامه سخنانش با تأکید بر اینکه سهروردی بیش از آنکه به بررسی اسناد تاریخی بپردازد و آنرا سند گفتار خویش کند به تأمل در آیات شریفه قرآن می‌پردازد و در پرتو نور آن، راه خود را به سوی حقیقت می‌گشاید، گفت: حکمت مشرقی در نظر سهروردی نوعی از حکمت است که علمای خسروانی و حکمای فارس آنرا بنیان نهاده‌اند. این حکمت رشته‌ای از معرفت است که وی آنرا حکمت خاص می‌خواند. این فیلسوف اشراقی رسائل مشرقی ابن سینا را در اختیار داشته ولی آنها را از این نوع حکمت خالی دانسته است.

وی تأکید کرد: سهروردی اگرچه ابن سینا را در مورد تأسیس و تدوین حکمت مشرقی بدان‌ها گونه که او می‌اندیشید ناکام دانسته است، ولی با ابراز این سخن به وجود این اندیشه در میان متفکران اسلامی آن هم چندین قرن پیش از زمان زندگی خود اعتراف کرده است.

وی با تأکید بر اینکه سهروردی اگرچه با حکمت مشائی به مخالفت برخاسته و آنان را به سختی مورد انتقاد قرار داده است، ولی مخالفت وی با حکمای مشائی هرگز به معنی مخالفت وی با نظر و برهان نیست، تأکید کرد: عقل در نظر سهروردی حجت و دلیل قاطع بوده و آنچه مردود است موهوم را به جای معقول گذاشتن و سوء استفاده از استدلال است. به این ترتیب حکمت اشراقی رشته‌ای از معرفت است که هرگز نباید آنرا با عرفان متعارف یکی دانست.

دینانی بیان کرد: در این رشته از معرفت، دین مؤید کشف به شمار می‌آید در حالی که عرفان متعارف مسأله به گونه‌ای دیگر است. آنچه که ابن سینا آنرا حکمت غیرمشائی خوانده و به آن توجه کرده حکمت افلاطونی نیست؛ زیرا ابن سینا در برخی از آثار خود

افلاطون را به شدت مورد انتقاد قرار داده و بضاعت او را حکمت، بضاعت مزجاء دانسته است.